



مجله

ایران شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

جشن آغاز یاد همیمن سال انتشار

● از کوشش‌های ایران دوستانه استاد دکتر جلال متینی ستایش شد

به مناسبت آغاز یاد همیمن سال انتشار فصل نامه فرهنگی ایران شناسی و تجلیل از کوشش‌های ایران دوستانه استاد دکتر جلال متینی استاد دانشگاه و رئیس پیشین دانشگاه فردوسی مشهد که دو فصل نامه «ایران نامه» و «ایران شناسی» در آمریکا به همت او تأسیس شده و در عداد بهترین فصل‌نامه‌های فرهنگی تاریخ مطبوعات ایران است از ساعت ۷ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۱ ژوئیه مجلس جشنی در هتل «ماربوت» شهر واشنگتن برپا شد که در آن استاد احسان یارشاطر، دکتر محمود امیدسالار، دکتر عباس میلانی، دکتر یوسف صمدزاده، دکتر هرمز حکمت، دکتر خسرو متینی، کمال زین الدین، علی سجادی، دکتر صدرالدین الهی، خانم وفائیتی درباره جنبه‌های مختلف کار و شخصیت استاد متینی سخن گفتند و نیز پیام‌های دکتر قاسم معتمدی، دکتر احمد مهدوی دامغانی، دکتر احمد قریشی، دکتر حشمت مرید، دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر همایون کاتوزیان همکاران و دوستان‌شان دکتر متینی و مجله ایران‌شناسی توسط آقای همایون مجد که کارگردانی جلسه را به عهده داشت قرائت شد و لوحه تقدیری توسط استاد احسان یارشاطر به دکتر متینی اهدا گردید. در پایان دکتر متینی ضمن تشکر از حاضران اظهار داشت: آنچه من انجام داده‌ام انجام وظیفه ناچیزی بوده است در قبال وطنی که همه چیز به من داده و کار من جز یک ادای دین ساده به ایران چیزی دیگر نبوده است. و همه ما باید در مورد انتشار فصل نامه ایران شناسی از وطن دوستی و گشاده دستی دکتر عطاءالله منتظری مدیر عامل بنیاد کیان که مجله ایران شناسی با حمایت و همت او منتشر می‌شود تشکر و ستون باشیم.

خواب و بیدار

شب و ستاره و نور،
پرنده‌ها همه خواب و
ستاره‌ها بیدار

و من که در قفس خویش،
خواب و بیدارم
ز لحظه... لحظه نزدیک و
برگشته دور،
چه نقش‌ها که در آئینه درون دارم.

در این گذار فراز و فرود روز و شبان
بلندتر پرشی خواهد،
آرزوی بلند.

مگر که سر به سر سوزنت بگذارم،
و آسان،
شب دریا،
ستاره،

موج بلور...
دی ماه ۱۳۷۶
ژاله اصفهانی

برای گذراندن رساله‌ام - شاید باور نکنید - سه میلیون شعر خوانده‌ام از نیمه دوم قرن نوزدهم تا برسیم به بزرگان شعر نوین ایران. برای گذراندن دکتری خود مجبور بودم که این‌ها را بخوانم. بعد هم من در استثنوی ادبیات جهانی کار می‌کردم و طبعاً در آنجا پژوهش‌هایی در کار شعر نوری ایران می‌کردم. اولین کار تحقیقی من درباره «نیما یوشیج» - پدر شعر نو بود و نظرات ادبی اش. شاید اولین کار بود که در ضروری درباره او منتشر می‌شد.

● حالا به سر حال نظراتان در مورد دگرگونی‌هایی که در شعر نو پیش آمده چیست؟
- تحول اصلی را «نیما» به وجود آورد. کار او زمینه‌ای شد که همه درخت‌ها بر سطح آن بارور شدند. «نیما» هم شکست و هم ساخت.
● اخیراً، شعر سربانی نو در میان خانم‌ها، رواج و رونقی پیدا کرده است، در آمریکا و در همین لندن که شما زندگی می‌کنید، استعداد‌های درخشانی در حال بارور شدن است. این تمایل تازه و ارزش‌های در حال «شدن»، را چگونه ارزیابی

توضیحی بدهم. اگر هم شاعری در جریان پنجاه سال زندگی‌تان در مهاجرت، شعرش رنگ و بوی تازه‌ای بگیرد، نه نفس و عیب شعر محسوب می‌شود و نه توهین برای شاعر. غیر از این است؟
- من قبول ندارم! من زبان‌های روسی و آذربایجانی را هم خوب یاد گرفته‌ام. ولی همیشه خوانسته‌ام «ایرانی» و «فارسی» زبان، باقی بمانم. هیچوقت نخوابتم به «روسی» فکر نکنم. من این تفاوت را «ظالمانه» می‌بینم. من آن همه سال در کتابخانه‌های دولتی، کتابخانه‌هایی که پیش از بیست میلیون کتاب در خود دارند، همه‌اش در جستجوی کتاب‌های فارسی بودم. هیچگاه هم با روس‌ها معاشرت نمی‌کردیم. اینست که دلم می‌سوزد وقتی درباره زبان «ژاله» چنین می‌گویید!

● مثل اینکه بهتر است از این مساله با مسالمت بگذریم! شما وقتی به ایران بازگشتید تغییرات تازه در جامعه شعری ایران را چگونه دیدید؟